



www.zende.fr
email :
zende@zende.org
zendehroudi@gmail.com



طراح ، عکاس و تدوین : فرانسین زنده رودی

ترجمه : محمود امجدی

نوشتار : حمید اوجی، فریور اقوامی ، امیراحمد فلسفی

محمود برتولی ، ژان پیر روز ، آنتونی بلانژه ، حوریا یاوری

فریور اقامی، کریستین میشل، ژان لوک پرز، ژاک ردا

لیتوگرافی : فرآیند گویا

چاپخانه : خانه فرهنگ و هنر گویا

مکان : معین

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول : تابستان ۱۳۹۰

شابک : ۹۶-۴-۷۶۱۰-۶۶۱-۹۶۸

مشاور اجرایی : امیر احمد فلسفی

مدیر تولید : ناصر میرباقری



خانه فرهنگ و هنر گویا

تهران - خیابان کریمخان زند ، روبروی ایرانشهر ، پلاک ۹۱

تلفن : ۸۸۸۲۳۱۲۰ - ۸۸۸۳۸۴۵۳ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

فاکس : ۸۸۸۴۲۹۸۷

هرگونه چاپ، تکثیر، تقلید، تهیه فیلم و اسلاید از آثار این

کتاب منوط به اجازه کتبی محمود زنده رودی می باشد.

www.gooyabooks.com

Email: info@gooyabooks.com

لیکن تر بلبروت دم شہیا غیر پر بارو حرم و سر زلف و سر کیم

پسند از سرم فلانین بلکہ کلام تر و زین کاشن داکو کفرتی بجایت کاپر و سر و سر کیم

از پدم فلان و زمار کیمیش یاد و سر و سر کیم

از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم و سر کیم

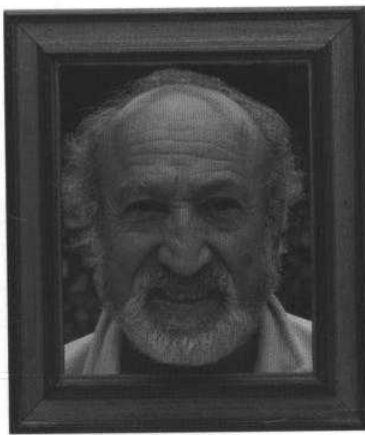
از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم

از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم

از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم

از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم

از سرم و سر کیم و سر کیم و سر کیم



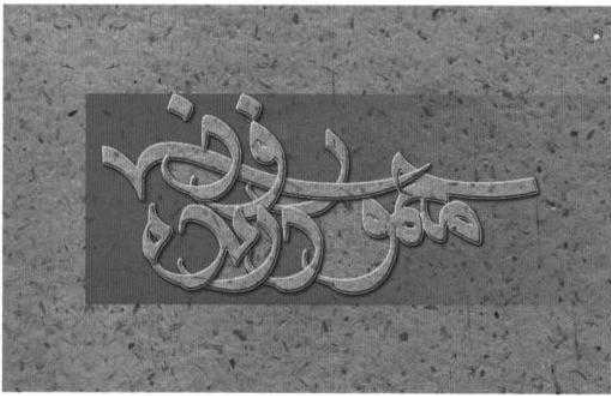
محمود زنده رودی نقاش خاورات، بدبودها و ارزشهای ملک و فرهنگی است که بخش اعظم حیات خود را در آن زیسته و تجربه ها امر حقه است. او آثارش نه زنده رودی بلکه (زنده) امضاء می کند. محمود زنده رودی سالهاست که نقاشی می کند اما به سبب دوری از ایران نامش برای بسیاری نا آشناست ولی او دهها نمایشگاه در سراسر دنیا برپا کرده و با تکنیک ویژه ای که در حرفه هنری اش بکار می گیرد سبک نوینی در نقاشی و مجسمه سازی بدعت گذاشته که در اروپا و آمریکا و آفریقا شناخته شده است.

شخصیت هنری محمود زنده رودی در جامعه ای شکل گرفته است که هر نوع بدعت هنری یا به اصطلاح پیشتازی، جز وابستگی به ریشه های عمیق فرهنگی و ملی امری دشوار و محال است و شاید هم بیش از سه دهه زندگی در غرب آنهم فرانسه، جوانه های تازه ای از یادگارهای ایران را در دل او رویانده و هنرمند را با حالتی حسرت آمیز و نوستالژی و با استفاده از تکنیک جدید به سوی خلق آثاری کشانده که حاصلش آمیخته ایست از خواب و واقعیت.

زنده در نقاشی هایش از نوعی کاغذ دست ساخت خود استفاده میکند و از تکنیک کلاژ (قطایی) فنی که در آن هنرمند دست خود را در دخالت دادن اشیاء خارجی بر روی بوم باز می بیند و به خلق آثاری چند بعدی و هنری می پردازد. او در هر حرکت هنری اش و در استفاده از هر رنگ و وسیله، گریزی به سوی ارزش های معنوی و باستانی ایران می زند. او برای خلق آثارش محدودیت نمی پذیرد هر روز بدنبال روشی نو می رود به همین جهت در آثارش شاهد تنوع زیادی هستیم.

حمید اوجی روزنامه نگار

فعالیت هنری



۱۳۴۱ : شرکت در دومین دوسالانه تهران

۱۳۴۵ : اولین نمایشگاه انفرادی در نگارخانه تهران

۱۳۴۹ : شرکت در نمایشگاه بین‌المللی تهران

۱۳۴۸ : بعداز پایان تحصیلات، به روزنامه نگاری روی می‌آورد و همزمان نقاشی حرفه مورد علاقه اش را دنبال می‌کند.

۱۳۵۷ : ایران را ترک می‌کند و در جنوب فرانسه مستقر می‌شود. و تمام وقت و نیرویش را وقف نقاشی می‌کند.

۱۳۶۶ : کار با مواد مختلف و برجسته کاری در تکنیک کلاژ را شروع می‌کند.

۱۳۷۱ : کارتن موج دار را برش می‌دهد، می‌ساید، می‌خیساند و با چسب مخلوط می‌کند. همه این‌ها او را به خمیر کاغذ دست ساخت رهنورد می‌کند.

ژان پیر روز کارشناس معروف هنری نام کاغذی را که زنده تولید کرده (کاغذ زنده) مینامد. (کاغذ زنده) سطح کاری می‌شود و علامت و نشانه وامضای کارش. دور تازه‌ای از تجربیات خلاقانه آغاز می‌شود.

۱۳۷۴ : نزد عتیقه فروشی به گنجینه ای دست می‌یابد. مدار زیادی دست نوشته مربوط به قرن ۱۸ روی پوست و کاغذ دست ساز، نت های موسیقی (پارتیسیون) و آواز آن‌ها استفاده می‌کند تا آثاری پدید آورد که کتاب سوزی های قرون گذشته را بیاد می‌آورد.

۱۳۷۵ : به هنگام نمایش انفرادی کارهایش در گالری «رور ولمار» در پاریس، شرکت در نمایشگاه جمعی در موزه لور پاریس نام (زنده) که او برای امضای کارهایش انتخاب کرده در مسافله هنری فرانسه خوش می‌درخشد.

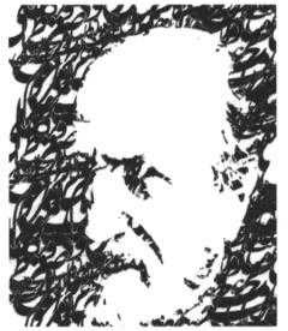
۱۳۷۷ : برای یادآوری فرهنگ و هنر پر بار کشورش، با استفاده از (کاغذ زنده) به ساختن کاشی و کنده کاری می‌پردازد تا کاشی های اصفهان، و کنده کاری های تخت جمشید را یادآوری کند. رنگ را بر روی رنگ می‌آورد، می‌ساید، مخلوطی از شن و ماسه را به آن می‌افزاید تا اثر را کهنه کند. او به جستجوی زنگار است جستجوی زنگار. بعد از سالها کار و شناخت و باز شناخت گرافیسیم جای خودش را باز می‌کند. ساییدن و خرد کردن کلمات بیشتر نمادین می‌شود و به خلوص می‌رسد.

او تکنیکش را در کلاژ متحول می‌کند. گرافیک ها را در کنار هم یا روی هم قرار می‌دهد و یا به تکرار و انبار کردن آن‌ها می‌پردازد.

کلمه به شکل و تصویری انتزاعی و ساده تبدیل می‌شود.



	Pages	
■ Le carton et les objets	18 - 42	■ فرم دادن ومقوا
■ Le papier «Zende»	44 - 54	■ کاغذ (زنده) *
■ La patine	56 - 72	■ زنگار (کهنه کاری)
■ La matière	74 - 95	■ ترکیب مواد
■ Les 7 pavillons	96 - 106	■ هفت پیکر نظامی گنجوی
■ Le signe calligraphique	108 - 155	■ خطنگاری
■ L'abstraction	157 - 171	■ انتزاعی



(زنده) و تولدی دیگر برای نقاشی سقاخانه.

(زنده) به نقاشی مکتب سقاخانه، جنبه (زیست محیطی) را افزوده است

پیش از هر چیز، آثار محمود زنده رودی بیانگر جستجویی است فنی و هنرمندانه در هنر تجسمی و به ویژه بیان تصویری آن. نقاشی‌اش آمیزشی است از مضمون‌های محلی، ملی، مذهبی، قومی و نمادین ایرانی، آفریده شده در غرب آثارش دارای هویت اختصاصی و جذابیت جهانی است. زنده سالیانی دراز است که نقاشی می‌کند. او خبرنگار روزنامه بوده، در تلویزیون کار کرده و سپس دوباره به نقاشی باز گشته است. او متعلق به نسل نقاشان «سقاخانه» است که حدود پنج دهه پیش در تهران شکل گرفت، و نه تنها تبدیل به تنها مکتب منسجم و مشخص در نقاشی چندین دهه ایران شد بلکه با همه تحولات و دگرگونی‌هایی که به خود دید، هنوز هم در داخل و خارج ایران زنده است.

آثار (زنده) نتیجه جستجوی او برای یافتن راه‌های تازه‌ای برای بیان حرف‌های نه چندان تازه است. نقاش برای رسیدن به این منظر به هر طریقی متوسل می‌شود. سطح وزمینه تابلوها از خمیر کاغذ مچاله شده و مافلت شده در (صمغ) بوجود می‌آید. براین سطح - اغلب - ناهموار، نقش برجسته و تصاویر و اشیایی از کارت پستال‌ها و تکه‌های کاغذ روزنامه و عکس‌ها و خط‌های چایی گرفته، تا نمونه‌هایی از خط خوش نقاش می‌نشینند، و سپس همه این‌ها باهم باز مچاله و گویی پیر می‌شوند.

محمود زنده رودی از همه شیوه‌های متداول مکتب (سقاخانه)، نظیر مهر زدن، کلیشه، حکاکی و خطاطی سود می‌جوید اما از روش‌های دیگر هم استفاده می‌کند: کلاژ، پرس (فشار دادن) و مهم‌تر از همه استفاده از مواد دور ریختنی و ظاهراً بی‌ارزش برای بازسازی نقش‌های سنتی. این جنبه (زیست محیطی) کار نقاش اهمیت بسیار دارد. نقاشان سقاخانه دهه چهل هجری در ایران، از اشیای زندگی روزمره در آثارشان استفاده می‌کردند. مثلاً پرویز تناولی قفل‌ها را بر مجسمه‌هایش



آویخت، ژازه طباطبایی از قاشق و چنگال ها و پیچ و مهره ها، پرنده ساخت. اما هیچکدامشان به استفاده از اشیاء پیش پا افتاده و کم ارزش زندگی برای بیان فکر و اندیشه روی نیاوردند (زنده) کم ارزش ترین اشیاء مثل تکه های روزنامه و بریده مقوا های بسته بندی و پاره های پوستر ها و اوراق کتاب ها، تشک بطریهای نوشابه و حتی سیب زمینی خشک شده و رنگ آمیزی شده را نیز به (سقاخانه) آورده است. از این نظر که محمود زنده رودی اهمیت یگانه دارد. او توانست مکتب سقاخانه را به هنر زیست محیطی و پیشرو هنرمندان معترض دهه هفتاد با موفقیت تمام پیوند بزند

رنگهای مورد استفاده و ترکیب بندی هایش مثال زدنی اند، او ابایی ندارد که به کمک آثارش پیامهایی را به بیننده منتقل کند. اما از مرز باریک میان بیان تصویری و گفتاری را درک می کند. وقتی (زنده) آگهی چاپ و فروش کتابی را از روزنامه پاره میکند و به تابلوی می چسباند، یا با خط خوش خود مینویسد (درد عشقی کشیدم که مگو - زجر هجری کشیده ام که می پرس) ، قصدش تنها افزودن عاملی تزئینی یا وسیله ای برای ایجاد تعادل نیست. می خواهد که تماشاگر به بار عاطفی مستتر در اثر هم توجه کند. ویژگی دیگر، جایگاه (خوش نویسی) در نقاشی های محمود زنده رودی است که به اندازه و به روش خود از آن استفاده میکند. بالاخره باید به (هندسه) بدیع تابلوهای (زنده) اشاره کرد که مرز های مشخص هنر سنتی ما را درمی نوردد و به هنر مدرن پهلوی می زند.

فریور اقوامی